

دکتر علی اکبر ریاضی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

سؤال از  
شاهد طرف مقابل



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز  
پښتونستان ښار علمي مرکز

## ● مقدمه

«سؤال از شاهد طرف مقابل»<sup>۱</sup> نهاد بسیار مهمی در آیین دادرسی نظام حقوقی کامن لو<sup>۲</sup> می باشد که در داوریهای بین المللی نیز تا حد قابل توجهی مقبولیت و کاربرد دارد. سؤال از شاهد طرف مقابل، همان گونه که تاحدودی از عنوان آن برمی آید، به معنای سؤال وکیل یکی از طرفین دعوی از شاهد طرف دیگر در جلسه دادرسی است و در برابر اصطلاحات «سؤال از شاهد خود»<sup>۳</sup> و «سؤال مجدد از شاهد خود»<sup>۴</sup> استفاده می شود.<sup>۵</sup>

### 1. Cross examination

۲. منظور از کامن لو (Common Law) در اینجا نظام حقوقی کشورهایی چون انگلستان و امریکای شمالی است که در مقابل نظام حقوقی رومی-ژرمنی که در ممالکی مثل فرانسه و ایتالیا حکومت دارد، به کار رفته است.

### 3. examination

### 4. re-examination

۵. محاکمات در نظام حقوقی کامن لو برخلاف سیستم رومی-ژرمنی توسط وکلای طرفین (نه قاضی) برگزار می شود. نقش قاضی در آیین دادرسی کامن لو عمدتاً «نظارت بر انجام محاکمه، اتخاذ تصمیم نسبت به اعتراض وکلا، تفهیم مقررات به هیأت منصفه و تعیین مجازات یا میزان خسارت براساس نظر هیأت منصفه است. آداب محاکمه در رابطه با تحقیق از شهود بدین گونه است که ابتدا مدعی، سؤالاتی از شاهد خود به منظور اثبات مواضع

کسانی که با نهاد سؤال از شاهد طرف مقابل در نظام حقوقی کامن لو آشنایی ندارند احساس شگفتی می‌کنند از اینکه تقریباً هیچ محدودیتی نظیر رابطه خادم و مخدومی، سابقه مطرح بودن دعوی مدنی یا جزایی، رابطه نسبی یا سببی تا درجه خاص بین شاهد و یکی از طرفین دعوی و ذینفع بودن شاهد در نتیجه دعوی برای پذیرش شهادت در آن نظام، وجود ندارد؛ زیرا می‌پندارند وقتی که روابط و انگیزه آنچنانی برای ادای گواهی خلاف واقع به نفع یا به ضرر یک طرف موجود است، شاهد حقیقت را نخواهد گفت. اما اعتقاد دیگر این است که وجود یا فقدان آن روابط خاص لزوماً نمی‌تواند دلیل سلب اعتماد از شاهد یا جلب اطمینان به وی باشد، بویژه با مرزهای تصنعی از قبیل رابطه سببی یا نسبی تا درجه سوم از طبقه دوم (نه یک طبقه یا یک درجه پایین‌تر) و یا گذشت فی المثل دو تا پنج سال (نه یک روز کمتر) از زمان قطعیت حکم قطعی دعوی جنایی یا جنحه مطروح بین شاهد و طرفی که شاهد به ضروری شهادت می‌دهد. یک شاهد نه تنها به لحاظ آن انگیزه‌ها بلکه به دلایل متعدد دیگر از قبیل داشتن رابطه تجاری یا سابقه دوستی با یکی از طرفین دعوی یا به علت ساده‌تطمیع شدن، خاصه در دنیای مادی کنونی، یا در اثر اشتباه ممکن است شهادت نادرست به نفع یا به ضرری از طرفین بدهد.

بنابراین آنچه بیش از همه اهمیت دارد این است که معلوم شود آیا شاهد حقیقت را می‌گوید یا خیر. در تأمین این مقصود، یعنی برای احراز صحت شهادت، به محک مطمئنی نیاز است و آن معیار همانا سؤال از شاهد طرف مقابل است<sup>۶</sup> که باعث می‌شود حتی بسیاری از مدعیان یا

خویش می‌کند (examination) و بعد از آن طرف مقابل، از آن شاهد پرسشهایی به قصد نفی یا خدشه دار کردن شهادت او می‌نماید. (Cross examination). پس از آنکه سؤالات طرف مقابل به پایان رسید، مدعی مجدداً پرسشهایی از شاهد خود می‌کند (re-examination). تا برخی از ابهامها یا تردیدهایی را که وکیل طرف مقابل در ارتباط با اظهارات شاهد وی ایجاد کرده است، مرتفع سازد.

۶. ممکن است گفته شود که قاضی - نه وکیل - هم می‌تواند سؤالات لازم را از شهود بکند و

متهمان که حق ادای شهادت به نفع خود را دارند از توسل به آن امتناع ورزند؛ زیرا شهادت دادن آنان به وکیل طرف مقابل حق می‌دهد که در جلسه دادرسی سؤالات متعددی از آنان بنماید و وضع را بیشتر به ضرر آنان تغییر دهد. حکمت این قضیه آن است که دروغ گفتن برخلاف آنچه ممکن است تصور شود کار آسانی نیست. وکیل یک طرف در سؤال از شاهد طرف مقابل معمولاً به یکی دو سؤال یا چند سؤال پراکنده اکتفا نمی‌کند بلکه پرسشهای متعددی را بر مبنای یک استراتژی حساب شده طرح می‌سازد تا کذب بودن یا نقاط ضعف اظهارات شاهد بر دادگاه معلوم شود. نظر به اینکه عملاً غیرممکن است یک شاهد پاسخ تمامی سؤالات متعدد را از پیش مهیا کرده باشد تا بتواند فی المجلس به همه سؤالات مطروحه پاسخ منسجم و هماهنگ بدهد و از آنجا که به مصداق ضرب المثل معروف فارسی آدم دروغگو کم حافظه است، یک وکیل آشنا به رموز سؤال از شاهد طرف مقابل، معمولاً در این کار توفیق می‌یابد.

در این مقاله شمه‌ای از تکنیک سؤال از شاهد طرف مقابل و مسائل مربوط به آن تحت ده عنوان، بدون اینکه آیین دادرسی محکمه یا دیوان داوری خاصی مدنظر باشد، ارائه می‌شود. مطالعه این مختصر، خواننده را به شیوه استفاده از این نهاد آیین دادرسی آشنا می‌کند و برای وکلای ایرانی که در دیوان داوری ایران-ایالات متحده در لاهه به دفاع از دعاوی مطروحه می‌پردازند متضمن فایده عملی بیشتری است، چرا که رؤسای شعب آن دیوان معمولاً اجازه سؤال مستقیم از شاهد طرف مقابل را به وکلای طرفین می‌دهند. در محاکم داخلی کشور نیز شاید بتوان روزی،

ضرورتی ندارد که این کار وسیله وکیل طرف مقابل انجام شود. پاسخ این نکته آن است که قاضی امکان تحقیق راجع به شاهد و مسائل مربوط به شهادت و جمع آوری دلایل را چون وکلای اصحاب دعوی ندارد و طرح سؤالاتی از جانب وی، نظیر برخی پرسشهای وکیل یکی از طرفین، با بی طرفی وی مغایرت دارد. این توضیح بدان معنی نیست که قضات حق ندارند سؤالاتی به منظور کشف حقیقت از شهود بکنند بلکه انجام این کار به نوبه خود جهت کشف حقیقت ضرورت تام دارد.

در راستای مساعدت به قاضی در کشف حقیقت، با اجازه رؤسای دادگاه‌ها تا حدودی از روش سؤال از شاهد طرف مقابل به منظور احراز صحت گواهی شهود بهره جست.<sup>۷</sup>



## تحقیق پیرامون شاهد و موضوع شهادت

اولین قدم، تحقیق کافی درباره شاهد و موضوع شهادت وی به منظور کشف مطالب خلاف واقع یا نقاط ضعف برای تنظیم استراتژی طرح سؤال است. این تحقیقات باید از دو جنبه صورت پذیرد: یکی قابل اعتماد بودن شاهد، دوم صحت مؤدای شهادت وی.

در خصوص قابل اعتماد بودن شاهد، وکیل باید بکوشد هرگونه واقعه یا رابطه‌ای را که ممکن است انگیزه‌ای برای شهادت خلاف واقع به ضرر موکل وی ایجاد کند و بر دادگاه آشکار نباشد کشف نماید. از جمله این عوامل می‌توان روابط خویشاوندی، تجاری، استخدامی، دوستی شاهد با طرف مقابل یا سابقه خصومت وی با موکل را نام برد. اثبات عدم امکان وقوف شاهد از قضایایی که نسبت به آنها شهادت می‌دهد نیز موجب بی اعتبار ساختن اظهارات وی می‌گردد. روابط خاص بین شاهد و طرفین، همان‌طور که قبلاً گفته شد، باعث عدم پذیرش شهادت نمی‌گردد؛ اما قاضی یا هیأت منصفه به شهادت افرادی که دارای انگیزه‌ای برای کتمان حقیقت یا شهادت کذب هستند با تردید بیشتری می‌نگرند. در مواردی نیز که معلوم شود شاهد فاقد اطلاعات مربوط به موضوع شهادت است، از جمله

۷. سؤال از شاهد طرف مقابل در حقوق ایران منع قانونی ندارد. برابر قوانین آیین دادرسی موجود، سؤال از شاهد طرف مقابل در مواردی مستقیماً و در مواردی از طریق رئیس دادگاه مجاز است. رجوع کنید به: قانون آیین دادرسی کیفری ماده ۲۴۸، قانون محاکمه جنایی ماده ۲۹ و آیین دادرسی مدنی، مواد ۴۲۱ و ۴۲۲.

به علت اینکه تخصص مورد ادعا را ندارد یا اینکه در محل معین در زمان مورد نظر حضور نداشته است، به شهادتش ترتیب اثر داده نمی‌شود.

صحت و سقم موضوع شهادت را می‌توان با سه ضابطه سنجید: یکی اینکه آیا گواهی شاهد با تجارب کلی انسان و عرف عقلا تطبیق می‌کند یا خیر. مثلاً از هیچ شاهدی نمی‌توان پذیرفت که کسی برای شنا کردن در اقیانوس به قطب شمال رفته باشد؛ ضابطه دیگر، فقدان هرگونه تعارض در اظهارات شاهد است؛ و بالاخره اینکه آیا مطالب شاهد با واقعیات محرز و غیرقابل انکار قضیه انطباق دارد یا خیر.

هنگامی که این تحقیقات به عمل آمد و از نقاط ضعف و قوت و گواهی شاهد آگاهی حاصل شد، می‌توان با ملحوظ داشتن آنها به طرح سؤالات پرداخت.

در اختیار داشتن اطلاعات و مدارک کافی درباره شاهد و موضوع شهادت به وکیل امکان می‌دهد کذب بودن اظهارات شاهد را بر دادگاه ثابت کند. برای مثال، هرگاه شاهد اشتغال خود را در فلان شرکت انکار کند، وکیل می‌تواند با ارائه فی المثل حکم اشتغال وی، نادرست بودن گفته او را بر دادگاه اثبات نماید. در سیستم حقوقی کشورهای تابع کامن لو طرفین دعوی علی القاعده مجازند مدارکی را در رابطه با جواب شاهد در جلسه دادرسی ارائه کنند، و در نتیجه، شهود از بیم اینکه مبادا وکیل طرف مقابل اسناد و مدارکی را برای اثبات خلاف بودن اظهارات آنان در اختیار داشته باشد، به سهولت دروغ نمی‌گویند.<sup>۸</sup>

۸. در دیوان داورى ایران- ایالات متحده ارائه اسناد و مدارک در جلسه دادرسی جز در موارد بسیار استثنایی مجاز نیست. وکیل در رد اظهارات شهود فقط می‌تواند به اسناد و مدارکی که قبلاً نزد دیوان ثبت شده است استناد کند.

## تنظیم سؤال پیشاپیش براساس نکات مورد اختلاف

وکیل باید قبل از حضور در جلسه دادرسی سؤالات مناسبی را براساس مطالعات و تحقیقات خود تنظیم نماید و از آنجا که جواب شاهد دقیقاً قابل پیش بینی نیست، در عین حال، باید آمادگی لازم را برای تغییر سؤالات برحسب مورد داشته باشد.

تردیدی نیست که هدف وکیل از طرح سؤال بی اعتبار کردن یا لااقل خدشه دار ساختن اظهارات شاهد و هدایت وی در جهت بیان مطالبی در اثبات مقصود خویش است. از این رو، وکیل سؤالات را نه به طور اتفاقی بلکه بر محور نکاتی که خود در مقام رد یا تأیید آنهاست، یا به عبارت دیگر، در محدوده محل نزاع تنظیم می‌کند.

## بستن راه فرار بر شاهد

بعد از آنکه معلوم شد وکیل در پی بیان چه مطلبی از سوی شاهد است، موضوع تنظیم استراتژی مناسب برای وادار ساختن شاهد به اظهار آن نکات مطرح می‌گردد. وکیل باید قبل از عنوان کردن اصل مطلب، سؤالاتی را برای بستن راه‌های فرار بر شاهد طرح کند. فی‌المثل، برای اینکه وکیل به دادگاه نشان دهد که شاهد قاعداً نمی‌توانسته است سند معینی را در تاریخ معینی در ایران مهر کرده باشد و ثابت کند سندی که به آن تاریخ تهیه شده بعداً تنظیم گردیده و مجعول است، ابتدا از شاهد می‌پرسد که «آیا درست است که مهر شما هیچگاه نزد کسی جز خودتان نبوده است؟» و در



صورت دریافت یک پاسخ مثبت،<sup>۹</sup> وکیل آنگاه براساس مدارکی که شاهد نتواند آن را انکار کند می‌پرسد: «شما در فلان تاریخ ایران را ترک کردید. درست است؟» و سرانجام سؤال می‌کند که «پس شما در آن تاریخ نمی‌توانستید آن سند را در ایران مهر کرده باشید».

در مثال بالا اگر از ابتدا از شاهد سؤال شده بود: «شما که در فلان تاریخ ایران را ترک کرده بودید چگونه می‌توانستید آن سند را مهر کنید؟» وی ممکن بود برای مثال جواب دهد که «من مهر را نزد منشی خود گذارده بودم که این گونه اسناد را مهر بزند».

نمونه دیگر اینکه در یکی از پرونده‌های مطروح نزد دیوان دآوری، خواهان بهای اثاثه منزلش را که مدعی بود توسط دولت ایران ضبط شده است مطالبه می‌کرد و در اثبات اینکه چه اثاثه‌ای داشته است، به شهادت استناد کرده بود. شاهد اظهار می‌کرد که وی از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ در ایران اقامت داشته و به خانه خواهان رفت و آمد می‌نموده و مشاهده کرده است که خواهان در آن زمان حدود هزار قطعه وسایل عتیقه در اطاقهای مختلف داشته است. نادرست بودن این شهادت از آنجا استنباط می‌شد که قاعدتاً شاهد نمی‌بایست ظرف آن سه سال (از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸) مرتباً به اطاقهای مختلف از جمله اطاق خواب وی رفت و آمد کرده باشد.<sup>۱۰</sup> و لذا برای اینکه معلوم شود شاهد حداقل نمی‌تواند بگوید که اطلاع داشته خواهان تا سال ۱۹۷۸ اقلام مورد ادعا را در اختیار داشته است، ابتدا باید مشخص می‌شد که وی چه سالی احتمالاً اطاقهای مختلف خواهان را بازدید کرده است و در پایان، سؤال نهایی طرح می‌گردید. از این رو طرح سؤالات بدین گونه مناسب به نظر می‌رسید:

۹. وکیل همیشه باید این نکته را در نظر داشته باشد که ممکن است شاهد جواب دلخواه را به سؤال او ندهد، و آماده باشد که با طرح سؤالات دیگری با ابراز مدارک غیرقابل انکار، وی را به پاسخ مطلوب سوق دهد.

۱۰. همان طور که قبلاً گفته شد، ابتدا باید براساس ضوابطی که بیان گردید، تشخیص داده شود که کدام مطالب احتمالاً نادرست است.

س: این وسایل عتیقه در اطاقهای مختلف در منزل آقای... قرار داشت. درست است؟

ج: بله.

س: وقتی شما اول بار در سال ۱۹۷۵ به منزل آقای... وارد شدید، حتماً آن گونه که مرسوم است آقای... اطاقهای مختلف و از جمله اطاق خوابهایش را به شما نشان داد و شما متوجه وجود وسایل عتیقه در آن اطاقها شدید. درست است؟

ج: بله.

س: مسلماً بعد از آن دیگر دلیل نداشت که شما دفعات بعد که به منزل آقای... می‌رفتید به کلیه اطاقهای ایشان از جمله اطاق خوابشان سر بزنید. درست است؟

ج: بله. ۱۱

س: یعنی اینکه بعد از بار اول که در سال ۱۹۷۵ به خانه آقای... رفتید دیگر تنها به اطاق پذیرایی ایشان می‌رفتید نه به اطاقهای دیگر. درست است؟

ج: بله.

س: پس شما نباید بتوانید بگویید که مشاهده کرده‌اید که کلیه وسایل عتیقه مورد ادعا تا سال ۱۹۷۸ که شما ایران را ترک کردید در خانه ایشان بوده است. تال جامع علوم انسانی

در مورد سؤال اخیر هرگاه احتمال رود که شاهد به نوعی شهادت خود را توجیه کند، اولی است که سؤال بدین گونه طرح گردد:

س: پس شما با اینکه از سال ۱۹۷۵ به بعد جز به اطاق پذیرایی به اطاق دیگری نرفتید، معتقدید که می‌توانید شهادت بدهید که آن وسایل را تا سال ۱۹۷۸ در آن اطاقها مشاهده کرده‌اید؟

۱۱. بسیار بعید بود که شاهد بگوید مرتباً به اطاقهای دیگر و از جمله اطاقهای خواب خواهان رفت و آمد می‌کرده است. برفرض که چنین جوابی می‌داد سؤالات دیگری که نادرست بودن چنین اظهاری را نشان دهد، قابل طرح بود.

احتمال اینکه شاهد به سؤال آخر جواب مثبت بدهد بسیار زیاد است؛ زیرا او تصور می‌کند که اگر بگوید بله، هنوز به نفع طرف خود شهادت می‌دهد، در حالی که جواب سؤال، که در واقع تأییدی است بر آنچه سؤال‌کننده القا می‌کند، بی‌اعتباری شهادت وی را آشکار می‌سازد.



### طرح سؤالات تلقینی

برخلاف موردی که وکیل از شاهد موکل خود سؤال می‌کند سؤالات تلقینی از شاهد طرف مقابل مجاز است و پرسشها غالباً چنین طرح می‌شود. به علت تلقینی بودن طبع این سؤالات است که توجه دادگاه هنگام سؤال از شاهد طرف مقابل بیشتر متوجه سؤال‌کننده است تا شاهد؛ چرا که این وکیل است که اطلاعات را عرضه می‌کند نه شاهد.

وکیل با استفاده از سؤالات تلقینی، در واقع، قضایا را به نحو مطلوب خود به سمع دادگاه می‌رساند و می‌کوشد جوابهای شاهد به نوعی باشد که بر توصیف وی از اوضاع صحه بگذارد. برای تأمین این هدف، بسیار مهم است که شاهد در جهت مورد نظر وکیل هدایت و به ادای پاسخهای کوتاه وادار شود.

یکی از حقوقدانان امریکایی در مقام بیان اینکه سؤال باید نه به گونه ساده بلکه به شیوه تلقینی طرح شود، این مثال را می‌آورد که بر فرض اینکه شما بخواهید اثبات کنید که شاهد به علت فلان واقعه عصبانی بوده است، به جای اینکه از او سؤال کنید «آن واقعه چه احساسی در شما ایجاد کرد؟» یا اینکه «آیا آن واقعه شما را عصبانی کرد؟» از وی پرسید «آن واقعه شما را عصبانی کرد، مگر نه؟» یا: «شما به آن علت فریاد می‌کشیدید، درست است؟ آیا با این حال همچنان اصرار می‌ورزید که عصبانی نبودید؟».

بیان مطالب فوق بدین معنی نیست که کلیه سؤالات باید همواره تلقینی باشد؛ معمولاً تعدادی از مجموع سؤالات، هر چند اندک، غیرتلقینی است. گاه شرایط پرونده و هدف از برخی پرسشها اصولاً اقتضای طرح سؤالاتی از آن نوع را ندارد. در مواردی شاید مناسب باشد ابتدا نسبت به واقعه ای از شاهد توضیح خواسته شود و سپس با توجه به اظهارات وی سؤالاتی بشود که او از پاسخ دادن به آنها عاجز بماند. برای مثال، در یکی از پرونده های مطروح نزد دیوان داوری ایران-ایالات متحده، وکیل ایران براساس قرائنی دریافته بود که سند انتقال سهام چند شرکت ایرانی به یک تبعه امریکا، نه در سال ۱۹۷۸ که ادعا می شد بلکه چند سال بعد و به تاریخی مقدم به منظور طرح دعوی در این دیوان، تهیه شده است. وی از یک نفر آلمانی که آن سند را امضاء کرده بود و در دیوان شهادت می داد سؤال کرد: «آیا این سند انتقال را شما نوشتید؟». شاهد بعد از نگاه کردن به آن سند، پاسخ داد خیر. ۱۲ وکیل آنگاه از شاهد خواست دقیقاً توضیح بدهد آن سند چگونه تنظیم شده و به امضاء رسیده است. شاهد از ادای هرگونه توضیح عاجز ماند و بالمآل اصالت سند نزد دیوان داوری مورد تردید جدی قرار گرفت (برای نمونه های دیگری از سؤالات غیرتلقینی براساس هدف از طرح پرسش به عنوان شماره ۶ این مقاله رجوع نمایید). اخذ توضیح از شاهد ضمن سؤالات غیرتلقینی - جز پرسشهایی که پاسخ آنها مقدمه سؤال نهایی است - معمولاً هنگامی توصیه می گردد که پیش بینی شود شاهد حرف موجهی برای گفتن ندارد، و الا وی فرصت خواهد یافت مطالب بیشتری در تأیید شهادت خود بیان دارد.

۱۲. وکیل مطمئن بود که شاهد امکان نداشت بگوید که سند را او تنظیم کرده است، چون به وضوح معلوم بود که شاهد تسلط کافی به زبان انگلیسی و فن نگارش حقوقی برای نوشتن چنان مبایعه نامه ای نداشت. وکیل می توانست با طرح چند سؤال نشان دهد که شاهد حتی مفهوم برخی از واژه های انگلیسی به کار رفته در سند را نمی داند.



## سؤالاتی که باید از طرح آنها اجتناب شود

یکی از اصول مورد قبول متخصصان فن این است که وکیل هرگز نباید سؤالی را مطرح کند که خود جواب آن را نمی‌داند. همان گونه که قبلاً بیان شد، وکیل سؤالات خود را براساس یک استراتژی از پیش تنظیم شده طرح می‌کند تا به هدف معین برسد و مسلم است که برای نیل به چنین هدفی خود او باید جواب هر سؤال را بداند. در غیر این صورت، اظهارات شاهد در کنترل وی نخواهد بود و بالطبع نمی‌تواند استراتژی خود را اعمال نماید.<sup>۱۳</sup>

نوع دیگری از سؤال که باید از آن پرهیز شود، پرسشی است که به شاهد امکان دهد مطالبی را که به نفع طرف خود در شهادتش گفته است تکرار کند یا با ادای توضیحات مفصل راجع به مسائلی که مورد نظر وکیل نیست، از جاذبه و تداوم سؤالات وکیل و توجه دادگاه به نقش وکیل بکاهد. پرسشها باید به گونه‌ای باشد که جواب آنها ترجیحاً بله یا خیر— آن طور که مورد نظر سؤال کننده است— باشد. به عبارت دیگر، وکیل هنگام سؤال از شاهد طرف مقابل— برعکس مورد سؤال از شاهد خویش— باید بیشتر خود سخن بگوید، و در حالی که توجه دادگاه را به خویش جلب کرده است شاهد طرف مقابل را در جهت دلخواه هدایت کند. از این رو، معمولاً وکیل

۱۳. طرح سؤالاتی که وکیل جوابش را نمی‌داند فقط هنگامی از سوی برخی حقوقدانان توصیه می‌شود که وکیل هیچ گونه امیدی به اینکه شاهد را وادار کند مطالبی به نفع موکل وی بگوید، ندارد. در این فرض، چنین تصور می‌شود که شاید گواه تصادفاً نکته مفیدی را بیان دارد یا مطالبی اظهار کند که احیاناً مطلع سؤالات مناسب بعدی قرار گیرد. احتمالاً دلیل دیگر در توجیه این نظر می‌تواند این باشد که به هر حال اگر وکیل از شاهد طرف مقابل سؤال نکند، شهادت وی محمول بر صحت خواهد بود.

حرف شاهدهی را که توضیحات اضافی می‌دهد با ذکر جمله «متشکرم» قطع می‌کند.

سؤال زیان‌آور دیگری که باید از آن احتراز شود سؤالی است که به شاهد طرف مقابل فرصت توجیه موارد تناقض را بدهد، بطوریکه مثلاً با اظهاراتی، از قطعیت اثر مدرکی که بالاستقلال قابل استناد است، بکاهد. برای نمونه، اگر نامه یا مدرکی وجود دارد که خلاف بودن شهادت را قاطعانه اثبات می‌کند نباید از شاهد خواست که وجود آن را توجیه کند؛ چرا که مسلماً شاهد نه تنها بر ارزش اثباتی آن سند— که خود از اعتبار کافی برخوردار است— نخواهد افزود بلکه ممکن است با برخی توضیحات ابتکاری اثر آن را کاهش دهد. شک نیست که طرف ذینفع می‌تواند هنگام عرضه مدافعات خود به آن سند مستقلاً استناد کند و کذب اظهارات شاهد را به دادگاه متذکر شود.



### اخذ جواب مطلوب

پاسخ مطلوب یک وکیل قطعاً آن است که شاهد به صراحت اقرار کند که گواهی کذب داده است و احیاناً اظهار ندامت هم بکند؛ اما واقعیت این است که هرچقدر هم سؤال‌کننده مسلط به کار خود باشد، چنین نتیجه‌ای معمولاً جز در فیلمهای سینمایی یا تلویزیونی حاصل نمی‌شود. یک پرسشگر ورزیده هرگز بر اخذ چنین جوابی اصرار نمی‌ورزد و در راه نیل به چنان هدفی با سؤالات مکرر شاهد را خسته نمی‌کند و موجبات اعتراض وکیل طرف مقابل را فراهم نمی‌آورد.

در ارزیابی جوابهای شاهد باید توجه داشت همین که قاضی، داور یا هیأت منصفه به نحوی از اظهارات شاهد استنباط کنند که وی از بیان حقیقت طفره می‌رود، کافی است و لذا نباید منتظر بود که او صراحتاً اقرار

به شهادت کذب کند. برای مثال، در جلسه رسیدگی به یکی از پرونده‌های دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده از سؤالات خوانده و پاسخهای یک وکیل سوئیسی که به نفع خواهان شهادت داده بود، بر حاضران در جلسه مسلم شد که وی از دادن جواب روشن به پرسشها امتناع می‌کند. اوفی المثل از پاسخ دادن به این سؤال ساده که سهامداران فلان شرکت در صورت جلسه مجمع عمومی سالانه‌ای که اظهار داشته بود مطالعه کرده و خود بانی تنظیم آن بوده است، چه کسانی بودند، به انحاء مختلف اجتناب می‌کرد. وکیل خوانده دوبار سؤال خود را تکرار کرد و بار سوم توجه دیوان را به این نکته معطوف داشت و از تکرار بیشتر پرسش خودداری نمود؛ اما در مدافعات خود عدم صداقت شاهد و معتبر نبودن شهادت وی را به دیوان خاطر نشان ساخت.

مثال دیگر اینکه در جلسه دادرسی ادعای پنجم پرونده ب-۱ مطروح نزد دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده که طی آن دولت ایران بابت خرید تعدادی هلیکوپتر از دولت امریکا در دوران رژیم قبل ادعای ارزش نموده بود، یک سرلشکر امریکایی شهادت داد که مستشاران امریکایی به هیچ وجه به ارتش ایران در دوران رژیم گذشته توصیه نکرده بودند که تجهیزات نظامی امریکایی را خریداری کنند و نیز گواهی داد که دولت وقت ایران در امر خرید اقلام نظامی به هیچ وجه تحت تأثیر مستشاران امریکایی نبوده است. اهمیت این شهادت از این جهت بود که مسئولیت دولت امریکا را از بابت تضمین آن هلیکوپترها، و به تبع آن تکلیف جبران خسارت را، منتفی می‌ساخت. جوابهایی که آن افسر باتجربه به چند سؤال وکیل ایرانی داد، برعکس آنچه شاهد تصور می‌کرد، به روشنی مفید این معنی بود که دولت سابق هیچ تجهیزاتی، از جمله هلیکوپترهای مورد بحث، را بدون صلاح دید مستشاران امریکایی نمی‌خرید.

سؤالات وکیل ایران در این قسمت، بعد از برخی مقدمات، تقریباً

به این ترتیب بود:

س: چند درصد مستشاران نظامی ایران در رژیم سابق امریکایی بودند؟

ج: (همانطور که سؤال کننده می‌پنداشت) صد درصد. ۱۴

س: چند درصد از تجهیزات نظامی نیروی هوایی ایران امریکایی بود؟

ج: (همانطور که سؤال کننده انتظار داشت) صد درصد.

س: آیا به نظر شما این تصادفی بود که صد درصد مستشاران نظامی ایران امریکایی بودند و صد درصد تجهیزات نظامی نیروی هوایی هم امریکایی بود؟

ج: نمی‌دانم منظورتان از تصادفی چیست. اگر مقصودتان این است که مسؤلان آن زمان بنا به میل و اراده خود تجهیزات امریکایی خریداری می‌کردند، جواب مثبت است.

س: اگر به جای مستشاران امریکایی، برای مثال، تمام مستشاران فرانسوی یا سوئدی بودند آیا به نظر شما باز نیروی هوایی ایران در آن زمان صد درصد تجهیزات امریکایی می‌خرید؟

معلوم است که بر فرض اگر شاهد به پرسشی نظیر سؤال اخیر جواب مثبت بدهد، در واقع، ناموجه بودن شهادت خود را آشکار می‌سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

### طرز رفتار با شاهد

وکیل باید با شاهد آرام، مؤدب و در عین حال قاطع رفتار کند. شخص معمولاً - خاصه در ابتدای کار - هنگام سؤال از شاهد طرف مقابل

۱۴. در صورتی که شاهد از بیان حقیقت خودداری می‌کند وکیل می‌توانست توضیحاتی در مورد مستشاران غیر امریکایی از وی بخواهد که از بیان آنها عاجز می‌ماند، و در نتیجه، نادرست بودن اظهار وی بر دیوان آشکار می‌شد.



دچار هیجان می‌شود. وکیل باید مرتباً و حتی از چند روز قبل از شرکت در جلسه دادرسی به خود تلقین کند که باید سؤالات خود را در کمال آرامش و خونسردی مطرح سازد. در صورتی که وکیل نتواند بر هیجان خود غلبه کند نه تنها رفتار وی ناشیانه و خشن جلوه می‌کند، و در نتیجه، اثر مطلوب در ذهن قاضی، داور یا هیأت منصفه نمی‌گذارد بلکه انعطاف ذهنی خود را برای هدایت شاهد در مسیر دلخواه و استفاده بموقع و مناسب از جوابهای وی از دست می‌دهد.

رفتار منصفانه یکی دیگر از الزامات برخورد با شاهد است. وکیل هر قدر هم به موفقیت موکل خود علاقه مند باشد، نباید از رفتار وی چنین استنباط شود که از اینکه شاهد به نفع طرف مقابل شهادت داده ناخشنود است و با وی سر عناد دارد. رفتار وکیل باید حاکی از این باشد که او خواستار کشف حقیقت است، اعم از اینکه آن حقیقت به نفع یا به ضرر وی باشد. در این راستا وکیل باید از رفتارهایی که دلالت بر تردستیهای برای به اصطلاح به «تله انداختن» شاهد دارد، احتراز کند. یک وکیل ورزیده و با تجربه چنان عمل می‌کند که اعتماد دادگاه را جلب نماید و این تصور را ایجاد نکند که از انواع ترفندها برای برنده شدن موکل خود استفاده می‌کند.

رعایت ادب، قطع نظر از ضرورت اجتماعی آن، هنگام سؤال از شاهد طرف مقابل از اهمیت خاصی برخوردار است. رفتار غیرمؤدبانانه با شاهد و به کار بردن الفاظ موهن هنگام سؤال از وی از قبیل اینکه «تو دروغ می‌گویی»، ولو در صحت آن تردید نباشد، موجب می‌گردد که همدردی دادگاه نسبت به شاهد جلب شود، و در نتیجه، دادگاه به جای اینکه به کذب بودن اظهارات وی بیندیشد به مظلوم واقع شدن او فکر کند. به طور کلی، وکیل باید از هر رفتار ناخوش آیند و غیرمنصفانه از قبیل داد زدن بر سر شاهد یا حتی بیش از حد بلند حرف زدن اجتناب کند. در عین حال که شایسته است وکیل با شاهد طرف مقابل رفتاری توأم با آرامش، متانت و ادب داشته باشد، حالت مهربان و «خودمانی»

داشتن با شاهد نیز توصیه نمی‌شود؛ زیرا وقتی که شاهد کاملاً احساس راحتی کند با سلطه بیشتر بر افکار و با جمعیت خاطر زیادتر جوابهای دروغین خود را در مقابل پرسشهای وکیل هماهنگ می‌کند. وکیل باید سؤالات خود را خشک، قاطع و صریح ولی عاری از خشونت یا خصومت طرح کند.



### حفظ شاهد خود در قبال سؤال طرف مقابل

وکیل باید شاهد خود را در برابر تکنیکهای غافلگیری که ممکن است طرف مقابل برای گمراه یا گیبج ساختن وی به کار برد حفظ نماید و مراقب باشد که طرف مقابل با استفاده از برخی ترفندها موضوع شهادت را تحریف نکند. این هدف با دادن تعلیمات لازم به شاهد قبل از حضور در جلسه دادرسی و اعتراض به سؤالات ناموجه طرف دیگر در حین محاکمه تأمین می‌شود.

#### الف. آموزش شاهد قبل از حضور در جلسه دادرسی

وکلا معمولاً قبل از حضور در جلسه دادرسی با طرح سؤالاتی که تصور می‌کنند طرف مقابل از شاهد آنان خواهد کرد وی را برای پاسخگویی به آن پرسشها آماده می‌سازند. از این رو، سؤال از شاهد طرف مقابل وقتی بیشتر مقرون به موفقیت است که سؤالات برای وکیل طرف مقابل قابل پیش بینی نبوده باشد.

در مورد طرز رفتار شاهد در جلسه دادرسی نکات زیر باید به وی

گوشزد شود:

— حفظ خونسردی و اعتماد به نفس. شاهد باید از هرگونه

شتابزدگی و ابراز حالت تزلزل که ممکن است قرینه‌ای بر دروغگویی

تلقی شود، اجتناب کند.

— از جوابهای شاهد نباید چنین استنباط گردد که وی مصراً درصدد اثبات ادعاهای طرفی است که به نفع او شهادت می‌دهد. در تأمین این هدف، وی باید از طفره رفتن در مقابل سؤالاتی که به نفع طرف خود نیست اجتناب کند.

— شاهد باید از جروبحث کردن با وکیل طرف مقابل و هرگونه رفتار دیگری که از آن شائبه جانبداری برآید احتراز نماید.

— اگر سؤال روشن نباشد، شاهد باید ابتدا با سؤالاتی منظور وکیل را دریابد و سپس به آن پاسخ دهد. در این رابطه، بعضی از وکلا به شهود خود آموزش می‌دهند که اگر کاملاً مطمئن نیستند که چگونه به سؤال جواب بدهند، می‌توانند با خواستن توضیح بیشتر از وکیل، فرصت کافی برای تفکر بیابند.

— شاهد مجبور نیست آن طور که وکیل می‌خواهد و اصرار می‌ورزد، از جمله با گفتن «بله» یا «نه»، به سؤال وی پاسخ دهد. در صورتی که شاهد احساس کند که چنین جواب کوتاهی ابهام نامطلوبی ایجاد می‌نماید، باید هر قدر لازم می‌داند توضیح دهد.<sup>۱۵</sup>

— اگر شاهد جواب سؤال را نمی‌داند، باید بگوید نمی‌دانم. مسلماً از شاهد انتظار نمی‌رود که لزوماً هر مطلبی را بداند. اظهار اطلاع نسبت به امری که شاهد از آن نمی‌تواند وقوف داشته باشد، حربه‌ای به دست وکیل طرف مقابل خواهد داد تا به اصطلاح او را «بیپچاند» و شهادتش را بی اعتبار سازد.

— شاهد باید بعد از شنیدن سؤال کمی صبر کند، آنگاه جواب بدهد؛ زیرا ممکن است سؤال وکیل طرف مقابل از جمله سؤالات مجاز نباشد، و در نتیجه، رئیس دادگاه بر اثر اعتراض وکیل طرفی که شاهد به

۱۵. برخی از اصحاب دعوی به شهود خود تعلیم می‌دهند که برای خنثی کردن جاذبه سؤالات وکیل طرف مقابل یا به منظور محو کردن نکته‌ای که در سؤال ملحوظ است، متعمداً جوابهای طولانی، ولو غیرمرتبط، به سؤال وی بدهند.

نفع او شهادت می‌دهد، شاهد را از پاسخگویی بدان معاف نماید.

### ب. حمایت از شاهد در جلسه دادرسی

گاه وکیل طرف مقابل سعی می‌کند با توسل به شیوه‌های مختلف، و از جمله طرح سؤالات انحرافی و گیج‌کننده، شاهد را وادار به بیان برخی مطالب مورد نظر خود بنماید؛ از این رو، باید شاهد را از آسیب چنان سؤالاتی با یک سلسله اعتراضهای بموقع محافظت کرد. هرگونه اعتراض معقولی را در تأمین هدف بالا می‌توان مطرح ساخت. تعدادی از اعتراضهای متداول از این قرار است:

— وکیل به شاهد فرصت نمی‌دهد جواب خود را تکمیل نماید. توضیح اینکه وکلا اغلب می‌کوشند حرف شاهد را برای اجتناب از توضیحات اضافی یا زیان‌آور قطع کنند.

— سؤال به دعوی ارتباط ندارد. ۱۶

— سؤال وکیل روشن نیست.

— وکیل اظهارات شاهد را نادرست نقل می‌کند. این اعتراض وقتی مورد پیدا می‌کند که وکیل طرف مقابل ابتدا قسمتی از حرفهای قبلی شاهد را بازگو می‌نماید و برآن مبنا سؤال دیگری طرح می‌کند.

— مدارک مورد استناد وکیل که مبنای سؤال واقع شده است، در پرونده موجود نیست. این ایراد هنگامی مصداق دارد که وکیل طرف مقابل به شاهد چنین وانمود می‌کند که سؤال وی مبتنی بر مدارک غیرقابل انکار در پرونده است.

— وکیل با سؤالات تند و پشت سرهم امکان فکر کردن به شاهد

نمی‌دهد.

۱۶. این ایراد معمولاً وقتی اقامه می‌شود که وکیل طرف مقابل با طرح یک سلسله سؤالات مقدماتی ظاهراً بی ارتباط با مسائل پرونده، درصدد است راه فرار بعدی را بر شاهد ببندد. وکیل در پاسخ این اعتراض باید به دادگاه اطمینان بدهد که بزودی ارتباط این سؤال با مسائل مورد اختلاف معلوم خواهد شد.



### سؤال مجدد از شاهد خود

بعد از آنکه سؤال طرف مقابل از شاهد تمام شد، طرف دیگر از آن شاهد (یعنی شاهد خود) پرسشهایی برای رفع ابهامها و سوءفهمهایی که ممکن است در اثر سؤالات طرف مقابل ایجاد شده باشد طرح می‌کند. از جمله اگر شاهد گفته باشد قیمت سهم فلان شرکت فلان قدر بوده است، بدون اینکه بگوید در چه سالی و این نکته مهم باشد، وکیل هنگام سؤال مجدد از شاهد خود با ذکر مطلب فوق از وی می‌پرسد که منظورش از قیمت سهام در چه سالی بود؟



### استناد به جوابهای شاهد طرف مقابل

سرانجام، وکیل در جریان مدافعات خود در دادگاه، ضمن بحث در خصوص هریک از مسائل مورد اختلاف به اظهارات شاهد طرف مقابل استناد می‌جوید.

در خانمه این نکته اضافه می‌شود که در رسیدگی جزایی به طور مطلق و در دعای مدنی، چنانچه شهادت مستقلاً بدون هیچ گونه محدودیتی از نظر خواسته دعوی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی پذیرفته می‌گردد، استفاده از مکانیزم سؤال از شاهد طرف مقابل، آن طور که در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لو متداول می‌باشد، برای اجرای صحیح عدالت اجتناب ناپذیر است. اعمال آن روش به قاضی امکان می‌دهد علی‌رغم تمهیداتی که اصحاب دعوی ممکن است برای قلب، کتمان یا تخدیش

حقیقت به کار برند، واقعیات را از مجموع سؤال و جوابها دریابند. در این فرض، افراد ظاهرالصلاح نخواهند توانست به عنوان شاهد عادل محکمه را فریب دهند و موجب صدور احکام ظالمانه بشوند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی